

## چکیده

دریای خزر تا مدت‌ها بدون آنکه اهمیت بین‌المللی داشته باشد. بین ایران و شوروی به صورت مشترک براساس عهدنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مورد استفاده قرار می‌گرفت. پس از فروپاشی شوروی سابق ساختار ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه دریای خزر متحول شده است. در این میان هر یک از کشورهای این حوزه، از لحاظ ژئوپلیتیکی اهمیت خاصی پیدا کرده‌اند. دو کشور ایران و روسیه به دلیل قدمت تاریخی از ثبات ژئوپلیتیکی برخوردارند. اما سه جمهوری تازه استقلال یافته یعنی قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان برای استمرار و استقلال، استراتژی برقراری روابط با قدرت‌های فرامنطقه‌ای را در پیش گرفته‌اند. بنابراین این کشورها علی‌رغم دارا بودن ژئوپلیتیک مشترک، به علت شرایط موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی دریای خزر دارای نگرش‌های متفاوت می‌باشند، از اینجا بود که اختلاف در مورد تقسیم بندی دریا و سهم هر کشور از دریای خزر و چگونگی بهره‌برداری از منابع بستر و زیربستر دریا پدید آمد. به دنبال این شرایط رژیم حقوقی دریای خزر نیاز به بازبینی مجدد پیدا کرده است و با توجه به چالش‌های موجود میان کشورهای ساحلی و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در رسیدن به حقوقی عادلانه، جمهوری اسلامی ایران به رغم تلاش‌های بسیار نتوانسته به رژیم حقوقی مناسب دست یابد. این پژوهش به بررسی سیاست‌های سرزمینی و ژئوپلیتیکی ایران را در رژیم حقوقی دریای خزر می‌پردازد. با توجه به طرح این سوالات که سیاست‌های سرزمینی و ژئوپلیتیکی ایران در رژیم حقوقی دریای خزر چه تاثیر دارد. همچنین همسایگان شمالی چگونه و با چه رفتارهایی در تحولات رژیم حقوقی دریای خزر تاثیر می‌گذارند. دو فرضیه را مطرح می‌سازد: اول اینکه نگاه ژئوپلیتیکی ایران و سیاست‌های بهره‌برداری از عمق دریا موجب تهییج ایران در ازدیاد سهم بیشتر از دریای خزر شده است و دوم، تعدد همسایگان شمالی و سیاست‌های توسعه دریا محور موجب افزایش سهم کشورهای حاشیه‌ی خزر (بغیر از ایران) از حقوق دریای خزر شده است. در نهایت هدف اصلی این پژوهش که به بررسی نقش و ایده‌های ژئوپلیتیکی ایران در تحول رژیم حقوقی دریای خزر و بررسی رفتارهای ژئوپلیتیکی همسایگان مرزی دریای خزر و نقش آنها در تحولات رژیم حقوقی دریای خزر را مطرح می‌سازد.

کلید واژه: دریای خزر، ژئوپلیتیک، رژیم حقوقی دریای خزر، ژئواکونومی، سیاست سرزمینی، کشورهای مشترک

المنافع

